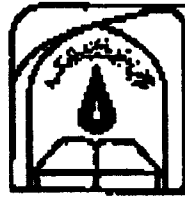


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتابخانه آستان قدس رضوی
تاسیس ۱۳۰۲

۲۷۱۴۳

وزارت اطلاعات و آمار علمی ایران
توسعه مدارک



دانشگاه تربیت مدرس

۵۳۸۰ / ۷ / ۲۰

دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری تاریخ (گرایش ایران دوره اسلامی)

سیاست فرهنگی ایران در عصر رضا شاه
(۱۳۲۰-۱۳۰۴ خ)

هادی وکیلی

استاد راهنما

دکتر سیدهاشم آقاجری

استاد مشاور

دکتر سهراب یزدانی





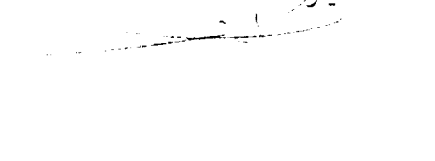

شهریور ۱۳۷۹

وزارت اطلاعات و آمار علمی ایران
توسعه مدارک

۳۷۱۹۹

تاییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضاء هیئت داوران نسخه نهایی رساله آقای هادی وکیلی
تحت عنوان سیاست فرهنگی ایران در عصر رضاشاه
را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضا هیئت داوران
	استاد یار	دکتر سید هاشم آقاجری	۱- استاد راهنما
	استاد یار	دکتر سهراب یزدانی	۲- استاد مشاور
—	—	—	۳- استاد مشاور
	استاد	دکتر صادق آینه وند	۴- استاد ناظر
	استاد یار	دکتر غلامحسین زرگری نژاد	۵- استاد ناظر
	استاد یار	دکتر محمد علی اکبری	۶- استاد ناظر
	استاد یار	دکتر عطا الله حسنی	۷- استاد ناظر
		دکتر سید هاشم آقاجری	۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

از نظر هیئت داوران علمی ایران
تاییدیه

013930

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به مرکز نشر دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته

در سال در دانشکده دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب

آقای دکتر و مشاور سرکار خانم/ جناب آقای دکتر از

آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های نشریات دانشگاه تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به مرکز نشر دانشگاه اهدا کند دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از حساب نام فرد کتابدار عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب دانشجوی رشته مقطع تعهد فوق

و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

تقدیم به

ساحت ملکوتی امیرالمومنین علی علیه السلام

وبه

پدر و مادر عزیزم که در تمام ساعات انجام این کار

دریادشان بودم .

وبه

همسر صبور و فرزندان مهربانم - فاطمه و محمد صالح -

که از آغاز با رنجهای زندگانی همراه با دانش پژوهی

آشنا شدند .

تقدیر و تشکر

بی تردید به انجام رساندن این کار بدون راهنمایی ها و یاریهای برخی از استادان، دوستان و همکاران و مراکز و مؤسسات ممکن نبود. از تمام آنان که یادکرد یک به یکشان ممکن نیست، صمیمانه سپاسگزارم. بویژه بر خود فرض میدانم که از راهنمایی های ارزشمند جناب آقای دکتر آقاجری - استاد راهنمای این پژوهش - و جناب آقای دکتر یزدانی، استاد مشاور این پژوهش - عمیقاً تشکر و قدردانی نمایم. راهنمایی های ایشان هم در روش و هم در آگاهی از منابع و اسناد و اطلاعات خام تاریخی سخت سودمند بود. همچنین از جناب آقای دکتر عباس منوچهری که در آغاز راه راهنماییهای مفیدی را یادآور شدند و از جناب آقای سید محمد نظری هاشمی - مدیر محترم گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد - به خاطر الطاف فراوان گونه گونشان سپاسگزارم.

عزیزان زیادی در مراکز زیر به گاه نیاز یاری و راهنمایی رساندند که موجب امتنان فراوان گردید: کتابخانه و مرکز اطلاع رسانی دانشگاه تربیت مدرس، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، کتابخانه و بخش محققان و بخش مجلات و نشریات آستان قدس رضوی، مرکز اسناد ریاست جمهوری، سازمان اسناد ملی ایران، مرکز اسناد و کتابخانه بنیاد مستضعفان و جانبازان، کتابخانه گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد.

دگر بار، از یاران و مشاوران فراوانی که در اینجا نامشان نیامده، خاضعانه و صمیمانه تشکر میکنم. اجر همه شان با پروردگار رحمان و رحیم باد.

چکیده

به قدرت رسیدن رضا شاه معلول تعارضها و ناکامی‌هایی بود که اصلاح طلبان مشروطه خواه با آنها درگیر بودند. بخشی از این ناکامیها به سبب فرهنگ حاکم بر جامعه و رهبران و نخبگان ایرانی در آن سالها بود. این فرهنگ شامل سه وجه مهم فرهنگ ملی - بومی و فرهنگ دینی و فرهنگ غربی می شد. در حالی که همگرایی اضلاع این مثلث فرهنگی می توانست برخی از مشکلات و مخاطرات ایران آن سالها را گره بگشاید، درگیری و واگرایی این اضلاع موجب آشفتگی و تبدیل وضعیت مطلوب تعادل فرهنگی به بحران فرهنگی میشد. با بر تخت نشستن رضا شاه و آغاز اصلاحات او، برخی از نخبگان به او پیوستند تا روند نو سازی ایران را جهت و سرعت ببخشند. از آنجا که این اصلاحات متکی به الگوی توسعه اقتدارگرا و آمرانه بود حکومت به سمت دیکتاتوری سوق یافت و با بی توجهی به بخشی از آرمانهای آزادی خواهانه مشروطه خواهان و اجرای برخی از خواسته های نوگرایانه آنان موجب بروز شکاف در مواضع روشنفکران و اصلاح طلبان نسبت به حکومت شد

امادخال گسترده رضا شاه در سیاستگذاریهای فرهنگی - به رغم آگاهی اندک از ماهیت فرهنگ - موجب شد که به تدریج این سیاستها دچار ناهمسازی و اصطکاک با بخش هایی از فرهنگ جامعه شود. رضا شاه که در خطبه آغاز سلطنت تلاش کرده بود نشان دهد هم به دیانت و تقویت مبانی آن و هم به ملیت و ایرانیت توجه دارد، و هم به رفاه و ترقی و توسعه کشور می اندیشد، در سالهای بعد به زودی سیاستهایی را در پیش گرفت که با آن برنامه کلان نا همخوانی داشت. با قرارگرفتن ((مدرنیزاسیون)) و الگوهای تقلید گرایانه غربی در راس سیاستهای نظام، بخشهایی از فرهنگ ملی - بومی و فرهنگ دینی که با این هدف ناسازگاری داشت، تضعیف و تحدید شد. همین امر موجب بروز واکنشهای تندی علیه برنامه های نظام - گاه با انگیزهای بومی و گاه مذهبی - گردید. در نتیجه آنگاه که حکومت نتوانست اصلاحات را با هنجارها و باورهای ملی، دینی هماهنگ سازد، و از دیگر سو درکی ناقص از پدیده نوسازی و فرایند ملت سازی و اهمیت و چگونگی تعاملها و چالشهای این سه ضلع فرهنگ یاد شده داشت، خود موجب ناکام ماندن سیاستها و به بن بست رسیدن برخی از آن اصلاحات شد! آن گونه که سقوط رضا شاه با سقوط بسیاری از این سیاستها همراه گردید.

کلمات کلیدی: ۱ - سیاست ۲ - فرهنگ ۳ - رضا شاه

فهرست مطالب

۱-۹۰	فصل یکم: مقدمات
۱	مدخل
۸	۱- تعریف مفاهیم و اصطلاحات مهم
۱۴	۲- معرفی انتقادی منابع و مأخذ عصر رضا شاه
۳۵	۳- اوضاع ایران در قرن سیزدهم هجری و در آستانه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ خ.
۵۴	بخش اول: رضا خان و فرهنگ تا ۱۳۰۵ خ.
۵۴	مدخل: نگاهی به تحولات سیاسی: برآمدن رضا خان، از کودتا تا سلطنت
۶۳	۱- رضا خان: فرهنگ عمومی و معارف (آموزش و پرورش)
۶۶	۲- رضا خان و فرهنگ دینی (۱۳۰۵-۱۲۹۹ خ.)
۷۲	۳- رضا خان و فرهنگ ملی - باستانی (۱۳۰۵-۱۲۹۹ ش.)
۷۵	۴- رضا خان و فرهنگ غربی (۱۳۱۲-۱۳۰۵ ش)
۹۱-۲۱۲	فصل دوم: حکومت رضاشاه و فرهنگ؛ بررسی روند تاریخی به روش توصیفی
۹۲	بخش دوم: حکومت رضا شاه و فرهنگ (۱۳۱۲-۱۳۰۵ خ.)
۹۲	۱- دولت مستوفی و مسئله تخریب قبور ائمه اطهار(ع)
۹۴	۲- منع و تحدید امر به معروف و نهی از منکر
۹۹	۳- «نظام اجباری» و قیام علمای اصفهان
۱۰۸	۴- مقدمات تدریجی کشف حجاب؛ رضا شاه و بافتی
۱۱۰	۵- اتحاد لباس
۱۱۴	۶- اصلاحات قضایی
۱۱۸	۷- عشایر: شورشها، سرکوبها و سیاست فرهنگی نظام
۱۲۱	۸- سیاست نظام در بخش معارف (آموزش و پرورش، آموزش عالی، اعزام دانشجویان)
۱۲۱	بخش سوم: حکومت رضا شاه و فرهنگ (۲۰-۱۳۱۲ خ.)
۱۳۸	۱- سفر رضا شاه به ترکیه
۱۴۰	

۱۴۱	۲- جشن هزاره فردوسی (مهر ماه ۱۳۱۳ - اکتبر ۱۹۳۴)
۱۴۴	۳- تاسیس دانشگاه (۱۵ بهمن ۱۳۱۳)
۱۵۳	۴- تاسیس فرهنگستان ایران
۱۵۹	۵- کلاه شاپو و ظهور مقدمات کشف حجاب
۱۶۴	۶- قیام مشهد (گوهرشاد)
۱۶۹	۷- کشف حجاب اجباری بانوان
۱۷۵	۸- سازمان پرورش افکار
۱۹۱	۹- آموزش و پرورش از شهریور ۱۳۱۲ تا شهریور ۱۳۲۰
۲۱۳-۳۲۲	فصل سوم: نخبگان سیاسی - فرهنگی و سیاست فرهنگی حکومت رضاشاه
۲۱۴	مدخل
۲۱۶	بخش چهارم: محمد علی فروغی «ذکاء الملک»
۲۳۲	فروغی و فرهنگ
۲۳۳	الف: فروغی و فرهنگ دینی
۲۳۶	ب - فروغی و فرهنگ ملی - باستانی
۲۳۸	ج - فروغی و فرهنگ غربی
۲۵۶	بخش پنجم: تیمورتاش
۲۶۲	تیمورتاش و فرهنگ دینی
۲۶۸	تیمورتاش و فرهنگ غربی
۲۷۱	تیمورتاش و فرهنگ ملی - باستانی
۲۷۹	بخش ششم: مهدیقلی خان مخبرالسلطنه «هدایت»
۲۸۵	مخبرالسلطنه و فرهنگ دینی
۲۹۳	مخبرالسلطنه و فرهنگ غربی
۳۰۶	مخبرالسلطنه و فرهنگ ملی - باستانی
۳۱۸	نتیجه و تحلیل کلی
۳۲۳-۴۷۰	فصل چهارم: حکومت رضاشاه و فرهنگ؛ (بررسی تحلیلی)
۳۲۴	بخش هفتم: رضا شاه و فرهنگ دینی

۳۲۵	ارکان سیاستگذاری نظام در بخش فرهنگ دینی
۳۳۰	۱- رضاشاه، نهاد حوزه و عالمان دینی
۳۳۷	۲- نظام و اجرای احکام و شعائر اسلامی
۳۵۱	۳- تأسیس مؤسسات فرهنگی - تبلیغی نظام برای عرضه «اسلام دولتی»
۳۶۶	بخش هشتم: رضاشاه و فرهنگ ملی - باستانی
۳۶۹	۱- رویکرد ناسیونالیسم ایرانی تجددگرا و آینده‌نگر
۳۸۰	۲- ناسیونالیسم ایرانی باستانگرا
۳۹۶	۳- عوامل و ابزارهای تبلیغ فرهنگ ملی - باستانی
۴۱۱	۴- تحلیلی بر مناسبات و چالشهای فرهنگ ملی با فرهنگ دینی و فرهنگی غربی
۴۲۴	بخش نهم: رضاشاه و فرهنگ غربی
۴۲۵	۱- تأثیر فرهنگ غربی در سیاستگذاریها و برنامه‌ریزیهای نظام
۴۳۵	۲- منابع تأثیرگذار بر سیاست فرهنگی نظام در دریافت و اقتباس فرهنگ غربی
۴۳۵	۱-۲- روشنفکران، نظام رضاشاه و فرهنگ غربی
۴۴۰	۲-۲- تحولات اروپا، اصلاحات همسایگان ایران و سیاست فرهنگی نظام رضاشاه
۴۴۰	۱-۲-۲- ترکیه
۴۴۵	۲-۲-۲- افغانستان و اصلاحات امان الله خان
۴۴۹	۳-۲-۲- تأثیر تحولات اروپا بر سیاستهای فرهنگی نظام
۴۵۵	۳- ابزارهای فرهنگی ورود فرهنگ غربی
۴۵۶	۴- تعامل و چالش بین فرهنگ غربی و فرهنگ دینی و ملی
۴۵۶	الف - فرهنگ غربی و فرهنگ دینی
۴۵۹	ب - فرهنگ غربی و فرهنگ ملی
۴۷۱	نتیجه
۴۷۵	فهرست منابع و مآخذ
۴۸۷	پیوستها
۴۹۳	چکیده انگلیسی

مدخل

این باور که «فرهنگ» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های حیات مدنی بشر و خصلت ممتاز اوست، امروزه مفهومی کاملاً علمی یافته است. فرهنگ چه در وجه عامیانه آن (فولکلور) و چه در وجه جامعه‌شناسی (که مجموعه دانشها، هنرها، صنایع و باورها را شامل می‌شود)، آنقدر در سرنوشت بشر نقش آفرینی داشته است که بسیاری از تمدن‌شناسان، تمدن را تظاهر بیرونی فرهنگ و فرهنگ را روح تمدن دانسته‌اند. مورخان نیز همواره بخشی از مطالعات و تحقیقات خود را متوجه تاریخ فرهنگ نموده‌اند. مورخ، البته بر اساس روش تاریخ‌گری علمی متعهد است که همه چیز - و از جمله فرهنگ - را تاریخی ببیند. اما مطالعه وضع فرهنگ در ادوار پر فراز و نشیب تاریخ، از عهده یک پژوهشگر - هر چند پر توان و با استعداد - خارج است. نگاهی به روند اوضاع فرهنگی در تاریخ ایران نشان از سنگینی این بار دارد. از دیگر سو، از آنجا که فرهنگ همواره نقشی بس تعیین‌کننده در تحولات این مرز و بوم داشته، ضرورتی روز افزون مطالعه و تحلیل و تبیین وضعیت آن را یادآور می‌شود. پس بهتر همان است که مورخ شجاعانه کمر همت ببندد و خاضعانه به گرفتن گوشه‌ای از این کار بسنده کند؛ که نه نشستن به امید عالم کامل شدن صواب است و نه ترک کسب علم جزئی کردن. همانگونه که یعقوبی نیز چون خود این کار را نیک دریافته بود، پند می‌داد: «و لو کنا لا نسمی العالم عالمًا حتی یحوی العلم کله، لا یقع هذا الا سم علی احد من الا دمیین» (۱). «اگر ما عالم را عالم نخوانیم تا آن‌گاه که بر تمامت علم دست یابد، این نام بر هیچ یک از آدمیان راست نیاید.» (۱)

مطالعه و نوشتن درباره فرهنگ، البته محذوراتی دارد که اهل فن بر آن آگاهند. بر آن بیفزاییم مشکلات علمی و اجتماعی - سیاسی پژوهش و نگارش درباره تاریخ معاصر و به ویژه عصر رضا شاه را، تا گرفتاریهای آغازین و مقدماتی این پژوهش را بهتر دریابیم. مشکلات فنی کار هم، که جای خود را دارد. اینها، ولی عزم دانش‌پژوهی که در پی درک و کشف حقیقت و فهم تعامل سیاست و فرهنگ باشد سست نتواند کرد، که علم اگر با عشق توأم شود، نه آسان نمودن اول و نه مشکلات آخر، رهرو را از طی طریق باز نمی‌دارد.

در کشور ایران که دارای فرهنگ و تمدن کهن چند هزار ساله می‌باشد، فرهنگ ملی - بومی همواره فعال و مؤثر بوده است. از سده‌های نخستین هجری، با گروش انتخاب‌گراانه ایرانیان به اسلام و ورود این دین آسمانی به این سرزمین، به تدریج فرهنگ اسلامی (۲) هم در کنار فرهنگ ملی - بومی در تحولات تاریخی نقش اساسی یافت. در سده‌های بعد این دو فرهنگ آن چنان به هم درآمیختند که گاه تفکیک این دو از هم ناممکن شمرده می‌شود. «خدمات متقابل اسلام و ایران» گواهی روشن بر این همزیستی صمیمانه است. البته این دو فرهنگ به لحاظ تاریخی، هم نقاط ضعف و هم قوت داشتند، هم می‌توانستند در تکامل و پیشرفت جامعه ایران - و حتی جامعه جهانی - مؤثر باشند، و هم اگر دچار بیماری و فساد و دیگر آسیب‌های فرهنگی شده بودند، با عقب‌ماندگیها و کاستیها همصدایی کنند. اما از اوایل عصر قاجار، به تدریج فرهنگی دیگر هم از آن سوی مرزها و آبها به درون جامعه و فرهنگ ایران نفوذ کرد که می‌توان آن را «فرهنگ غربی» خواند، چراکه زاینده فرهنگ و تمدن غرب جدید بود. از این پس فرهنگ دو وجهی کشور ما به یک مثلث فرهنگی تبدیل شد که دارای سه ضلع فرهنگ ملی، فرهنگ دینی و فرهنگ غربی بود. تأملی در مسایل مهم تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که داد و ستدها، درگیریها و رویاروییها و چالشهای این سه فرهنگ، تا چه اندازه بر تحولات این کشور تأثیر گذاشته است. عصر سلطنت رضا شاه (۲۰-۱۳۰۴ خ. / ۴۱-۱۹۲۵ م.) یکی از مهم‌ترین سالهای رخ دادن این درگیریهای فرهنگی است.

تعریف مسئله و سؤالیهای اصلی این تحقیق: سلطنت پهلوی اول در واقع وارث بسیاری از ناکامیها و تعارضهای عینی و ذهنی انقلاب مشروطه و پس از آن بود. از آن جمله نظام جدید می‌بایست سیاست فرهنگی مشخصی را برای برقراری نسبتی هدفمند بین سه ضلع فرهنگ ملی، دینی و غربی تدوین و اجرا می‌کرد. این سیاست که به ویژه در نیمه دوم پادشاهی رضا شاه با خشونت وارد صحنه شد، متکی به مشروعیت ملی - باستانی و ترویج فرهنگ غربی و مبارزه با بخشی از سنتهای بومی و دینی و یا تضعیف و حذف آنها بود. اما این سیاست فرهنگی نهایتاً منجر به تعارضاتی تندتر از آنچه در دوران مشروطه بود، گردید و به فضای «بحران فرهنگی»

برای حکومت و جامعه ایران تبدیل شد. پرسشهای زیر در این باره قابل توجه و اهمیت است:

۱ - حکومت رضاشاه چه موضعی نسبت به سه بخش مهم فرهنگ دینی، فرهنگ ملی -

بومی و فرهنگ غربی اتخاذ کرد؟

۲ - چرا سیاست فرهنگی عرضه شده توسط حکومت در این دوره نتوانست موجب

"تعالف فرهنگی" و همگرایی بخشهای سه گانه فرهنگی جامعه ایران گردد؟

۳ - درگیر شدن رضاشاه با جلوه‌های فرهنگ دینی و تلاش برای ترویج فرهنگ ملی -

باستانی چه رابطه‌ای با رویکرد نوگرایانه حکومت داشت؟

۴ - نخبگان و عناصر اصلی نظریه پرداز در این دوره چه نقشی در این سیاست فرهنگی ایفا

کردند؟

سابقه و ضرورت انجام این تحقیق: اصولاً عصر پهلوی اول یکی از مهم‌ترین بخشهای

تاریخ معاصر ایران است. در طی سالهای سلطنت پهلوی، زمینه پژوهشهای روشمند در داخل

کشور فراهم نبود و آنچه نوشته می‌شد، عمدتاً تاریخ‌نگاری وابسته و همسو با دربار بود. در

خارج از کشور، البته کارهای محدودی انجام شده است که این کارها هم، نه بطور اختصاصی

برای عصر رضاشاه و فرهنگ این سالها، که عمدتاً کارهای کلی درباره تاریخ معاصر ایران

می‌باشد. پس از سرنگونی سلسله پهلوی، به رغم سرعت یافتن پژوهشهای عمیق و ابراز علاقه

بیشتر به مطالعه تاریخ معاصر به ویژه سلسله پهلوی درباره بازشناسی ماهیت سیاست فرهنگی

حکومت رضاشاه تاکنون کار عمیق و علمی عرضه نشده است. درباره منابع پژوهشهای این

دوره، در صفحات بعد، توضیحات تفصیلی خواهد آمد.

فرضیه‌ها: فرضیه‌هایی که در این پژوهش به آزمون گذاشته شده‌اند از این قرارند:

۱ - سیاست فرهنگی حکومت رضاشاه در بخش فرهنگ دینی مبتنی بر تضعیف و تحدید

و همسو نمودن آن با سیاستهای کلان نظام، در بخش فرهنگ ملی در راستای ترویج ملی‌گرایی و

باستان‌ستایی و تضعیف فرهنگهای محلی - بومی، و در بخش فرهنگ غربی در جهت اقتباس و

انتقال گسترده دستاوردهای فرهنگ و تمدن غرب بود.

۲- سیاست فرهنگی رضا شاه منجر به بروز بحران فرهنگی و عدم تعادل و ناهمگرایی فرهنگی گردید.

۳- رضا شاه لازمه مدرنیزاسیون را - که سیاست کلان حکومت او بود - تضعیف و تحدید فرهنگ دینی می دانست و بر این باور بود که ترویج ملیت گرایی و باستانی گری می تواند خلأ فرهنگ دینی را پر کند.

۴- وظیفه بسیار مهم عرضه قرائت مطلوب حکومت از مقوله فرهنگ را برخی نخبگان این دوره بر عهده گرفتند.

در پایان این نوشتار در قسمت نتیجه پژوهش، میزان صحت این فرضیه ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

اهداف پژوهش: در این پژوهش رسیدن به اهداف ذیل مورد نظر بوده است:

- ۱- مطالعه و کشف سیاست فرهنگی ایران در عصر پهلوی اول و عوامل موثر در آن.
- ۲- بررسی زمینه ها و جستجوی انگیزه ها و ابزارهای فرهنگی نظام در این عصر.
- ۳- مطالعه موضوعات گوناگون نخبگان سیاسی - فرهنگی این عصر نسبت به این سیاست فرهنگی.

۴- شناسایی علل و عوامل همگرایی و واگرایی سه بخش فرهنگ ملی، فرهنگ دینی و فرهنگ غربی در این عصر.

تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به روشهای ذیل انجام شده است:

- ۱- روش نقد داخلی و خارجی منابع (Enternal critique and external critique)
- ۲- روش اسنادی (documentary method)
- ۳- روش تحلیل محتوا (کیفی) (content analize)
- ۴- روش با زمانی و در زمانی تاریخی (diachronic and synchronic)

در اینجا مناسب است درباره فصول و بخشهای این پژوهش، توضیحاتی کلی داده شود. در فصل مقدماتی پس از عرضه شمای کلی پژوهش مدخلی نظری برای ارائه تعاریف

شفاف از اصطلاحات مهم و کلیدی این پژوهش خواهد آمد. آن گاه به معرفی انتقادی منابع و مآخذ پرداخته می‌شود و سپس در مدخلی تاریخی اوضاع سیاسی - فرهنگی ایران در قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری و مقارن کودتای اسفند ۱۲۹۹ خ. مرور خواهد شد.

در فصل دوم رفتارها و سیاستهای فرهنگی رضا خان - رضا شاه تا آنجا که نمایش عینی و عملی یافته مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. توصیف اوضاع سیاسی و اجتماعی در این فصل، تنها تا آن اندازه است که در درک اوضاع و سیاستهای فرهنگی مددکار باشد. به همین سبب از پرداختن تفصیلی به تاریخ سیاسی این عصر پرهیز خواهد شد مگر آن که تبیین مسایل فرهنگی، تاریخ‌نگاری سیاسی را نیز بطلبد. کاری که به ناچار در مدخل این فصل قدری به آن پرداخته شده است. این فصل شامل سه بخش می‌باشد. در بخش اول اوضاع فرهنگی ایران و مواضع و سیاستهای فرهنگی رضا خان در سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹ خ. توضیح داده شده است. بخش دوم سیاست فرهنگی نظام رضا شاهی را در سالهای ۱۲-۱۳۰۵ خ. بررسی می‌کند. و در بخش سوم، سیاستهای فرهنگی نظام در سالهای ۲۰-۱۳۱۲ خ. مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم است که درباره تقسیم بندی تاریخی به کار رفته در این فصل توضیحی مختصر داده شود. می‌دانیم که دوره پادشاهی رسمی رضا شاه از ۲۵ آذر ۱۳۰۴ آغاز می‌شود و در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ پایان می‌پذیرد. قلمرو اصلی زمانی این نوشتار این دوره نزدیک به شانزده ساله است. اما از آنجا که اولاً رضا شاه پیش از این هم چه آن وقت که سردار سپه و وزیر جنگ بود، و چه آن گاه که نخست وزیر شد عملاً نبض قدرت را در اختیار داشت و در حوزه فرهنگ هم دخل و تصرف و اعمال اراده می‌کرد، و ثانیاً بسیاری از سیاستگذاریهای سالهای ۱۳۰۵ به بعد متأثر یا استمرار همان سیاستهای پیش از سال ۱۳۰۵ بود، لذا بررسی مسئله "رضا خان و فرهنگ" نیز کاملاً ضرورت می‌یافت. بنابراین بخش نخست از فصل دوم مواضع فرهنگی رضا خان از کودتا تا سال ۱۳۰۵ را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این مقطع با کنار رفتن فروغی در تیر ماه ۱۳۰۵ خ. و روی کار آمدن دولت میرزا حسن مستوفی‌الممالک پایان می‌یابد. کابینه فروغی (۹ آبان ۱۳۰۴-۱۱ تیر ۱۳۰۵) که واسطه انتقال سلطنت از قاجار به پهلوی و همچنین انتقال صدارت از رضا خان به